

Endowment is A Manifestation of Participatory Criminal Policy in The Direction of Criminal Justice.

Mehrdad Teymouri *

Zahra Nouri **

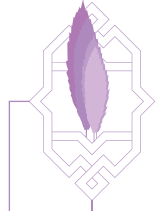
Abstract

In the Islamic perspective, the good tradition of endowment has an important and special place due to the numerous desirable effects it has on social, economic, and political participation and, as a result, social justice, and for this reason, it has been emphasized a lot. Also, considering the function of the endowment institution, towards social justice, the Endowment and Charity Affairs Organization can also play an effective role in reforming and rehabilitating criminals by supporting endowments for educational matters, including vocational training and literacy, etc. for criminals who have been sentenced to alternatives to imprisonment. This is because the experience of the formal criminal justice system and the purely governmental and judicial responses and its failure to succeed in combating crimes and social harms indicate that relying solely on punitive measures and the formal control system cannot solve the problem of delinquency and social harms in the long term. Therefore, the present article aims to examine the role of the endowment institution, using participatory criminal policy in criminal justice, using a descriptive and analytical research method to examine research, articles, studies, and documents related to the subject using a library method. It was concluded that the Endowment and Charity Affairs Organization, using the endowment institution, can play an effective role in reforming and rehabilitating criminals, reducing social harm, and implementing criminal justice as optimally as possible and achieving the goals of participatory criminal policy.

Keywords: Endowment, Participatory Criminal Policy, Criminal Justice, Social Justice, Reform and Rehabilitation

*. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author). Email: dr.mehrdad.teymouri@gamil.com

**.. Masters student in Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: zahra.nouri.74.8.13@gmail.com



الوقف هو مظهر من مظاهر سياسة الجريمة التعاونية في اتجاه العدالة الجنائية

مهرداد تيمورى *

زهرا نورى **

الخلاصة

في المنظور الإسلامي، يحتل تقليد الوقف الحسني مكانة مهمة وخاصة لما له من آثار إيجابية عديدة على المشاركة الاجتماعية والاقتصادية والسياسية، وبالتالي العدالة الاجتماعية، ولهذا السبب تم التأكيد عليه كثيرًا. كما أنه بالنظر إلى وظيفة مؤسسة الوقف، في اتجاه العدالة الاجتماعية، فإن تنظيم الأوقاف والشؤون الخيرية يمكن أن يلعب دوراً أيضاً من خلال دعم الأوقاف التي تستهدف الأمور التعليمية، بما في ذلك التدريب المهني ومحو الأمية وغيرها، للمجرمين. الذين تم الحكم عليهم بدائل السجون للقيام بدور فعال في إصلاح وتأهيل المجرمين والمساعدة في تنفيذ العدالة الجنائية على النحو الأمثل قدر الإمكان وتحقيق أهداف السياسة الجنائية التعاونية. لأن تجربة نظام العدالة الجنائية الرسمي والاستجابات الحكومية والقضائية البحتة وعدم نجاحه في مكافحة الجرائم والأضرار الاجتماعية تظهر أهمية أن الاعتماد فقط على الإجراءات العقابية ونظام الرقابة الرسمي على المدى الطويل لا يمكن أن يحل المشكلة. مشكلة ظاهرة الانحراف والأضرار الاجتماعية لذا وبغرض تقصي دور المؤسسة الوقفية باستخدام السياسة الجنائية التشاركية في العدالة الجنائية، وباستخدام منهج البحث الوصفي التحليلي، فقد تمت دراسة الأبحاث والمقالات والدراسات والوثائق المتعلقة بالموضوع بالمنهج المكتبي. وكانت النتيجة أن تتمكن هيئة الأوقاف والشؤون الخيرية من القيام بدور فعال في إصلاح المجرمين وتأهيلهم، وتقليل الضرر الاجتماعي، وتنفيذ العدالة الجنائية على النحو الأمثل قدر الإمكان وتحقيق أهداف السياسة الجنائية التعاونية..

الكلمات المفتاحية: الوقف، السياسة الجنائية التشاركية، العدالة الجنائية، العدالة الاجتماعية، الإصلاح والتأهيل.

*. أستاذ مساعد، قسم القانون الجنائي وعلم الجريمة، فرع تبريز، جامعة آزاد الإسلامية، تبريز، إيران. (المؤلف المسؤول).

بريد إلكتروني: dr.mehrdad.teymouri@gamil.com

** طالب ماجستير في القانون الجنائي وعلم الجريمة، فرع تبريز، جامعة آزاد الإسلامية، تبريز، إيران.

بريد إلكتروني: zahra.nouri.74.8.13@gmail.com

وقف جلوه‌های از سیاست جنایی مشارکتی در راستای عدالت کیفری



مقاله پژوهشی

مهرداد تیموری *

زهرا نوری **

چکیده

در بینش اسلامی سنت حسنه وقف به جهت اثرات مطلوب بی‌شماری که در مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در نتیجه عدالت اجتماعی دارد، از جایگاه مهم و ویژه‌ای برخوردار است، و به همین جهت بر آن تأکید بسیار شده است. همچنین با توجه به کارکرد نهاد وقف، در جهت عدالت اجتماعی، سازمان اوقاف و امور خیریه نیز می‌تواند با حمایت از موقوفاتی که در جهت امور آموزشی اعم از حرفه آموزی و سواد آموزی و... برای مجرمانی که محکوم به جایگزین‌های حبس شده‌اند، نقش مؤثری را در اصلاح و بازپروری مجرمین و کمک بر اجرای هرچه مطلوب‌تر عدالت کیفری و نیل به اهداف سیاست جنایی مشارکتی ایفا نماید. چرا که تجربه نظام عدالت کیفری رسمی و پاسخ‌های صرفاً دولتی و قضایی و عدم توفیق آن در مبارزه با جرائم و آسیب‌های اجتماعی نشان دهنده این مهم می‌باشد که تکیه صرف بر تدابیر کیفرمدار و نظام کنترل رسمی در بلندمدت نمی‌تواند مشکل پدیده بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی را تدبیر نماید. لذا مقاله حاضر با هدف بررسی نقش نهاد وقف، با استفاده از سیاست جنایی مشارکتی در عدالت کیفری با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی به بررسی پژوهش‌ها، مقالات، مطالعات و اسناد مرتبط با روش کتابخانه‌ای به موضوع پرداخته است و این نتیجه حاصل گردید که سازمان اوقاف و امور خیریه با استفاده از نهاد وقف می‌تواند در اصلاح و بازپروری مجرمان و کاهش آسیب‌های اجتماعی و اجرای هرچه مطلوب‌تر عدالت کیفری و نیل به اهداف سیاست جنایی مشارکتی نقش مؤثری را ایفا نماید.

واژگان کلیدی: وقف، سیاست جنایی مشارکتی، عدالت کیفری، عدالت اجتماعی، اصلاح

و بازپروری.

*. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

پست الکترونیک: dr.mehرداد.teymouri@gamil.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

پست الکترونیک: zahra.nouri.74.8.13@gmail.com

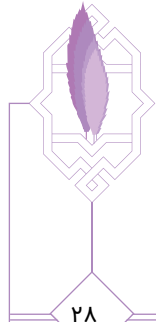


مقدمه

مفهوم عدالت کیفری برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ توسط نویسندگان انگلیسی به کاربرده شد، که در ربع قرن گذشته از رهگذر ترجمه آثاری پیرامون مباحث حقوق کیفری به ادبیات حقوقی ایران وارد شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۶). برخی از جرم‌شناسان عدالت کیفری را مجموعه‌ای از نهادها و آیین‌هایی می‌دانند که جامعه برای ابراز واکنش علیه بزه‌کاری مورد استفاده و استناد قرار می‌دهد که چرخ‌های اصلی آن نیز شامل حقوق و آیین دادرسی کیفری، تشکیلات قضایی و واحدهای پلیس می‌باشد (پیکا، ۱۳۹۳: ۱۰۵). بر این مبنا عدالت کیفری فرایندی است که مرحله دستگیری تا اعمال کیفر و اجرای مراحل پساکیفری را شامل می‌گردد. با این حال حیات قضایی این فرایند مستلزم بهره‌وری از کنش‌گرانی نظیر پلیس، مقامات قضایی دادسرا، مقامات قضایی دادگاه، زندان و مددکاران اجتماعی است. به هر رو قطع نظر از مفهوم عدالت کیفری این مهم از رهگذر تحولات نظریه‌های جرم‌شناختی دچار تحولات گسترده‌تری شده است. زیرا در این میان عدالت کیفری می‌بایست تضمین عادلانه حقوق شهروندان را در برخورداری از امنیت فراگیر بر عهده گیرد که برقراری چنین امنیتی مستلزم واکنش خاص نسبت به کنشگران علیه عدالت کیفری است. با این همه نباید از نظر دور داشت که حق بر تأمین امنیت باید در چارچوب معیارهای حقوق بشری تحقق یابد و متصدیان حفظ نظم نباید به عذر تحقق امنیت، برخورداری آن را از شهروندان جامعه سلب نمایند. لیکن افق عدالت کیفری در پاره‌ای از مواقع در جهت حفظ نظم نهادینه شده در جامعه بزه‌کار را با مفهومی نو به نام «دشمن جامعه» در تقابل با مفهوم «شهروند» قرار می‌دهد (صدر توحیدخانه، ۱۳۸۸: ۴۶۵). دیرزمانی نیست که گرایش جدیدی از سیاست جنایی بر پایه مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعال ارکان جامعه مدنی به‌ویژه مردم در اجرای سیاست جنایی شکل گرفته است که عبارت از «سیاست جنایی مشارکتی» می‌باشد. این راهبرد سیاست جنایی، بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی چه در امر پیشگیری از جرم و چه در واکنش نسبت به جرائم و انحرافات اجتماعی است و هدف مهم آن، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی و بازپذیری اجتماعی بزه‌کاران است. در واقع تأمین امنیت به‌عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ۲۴). نظام عدالت کیفری ایران نیز تحت تأثیر تحولات علوم

جنایی، توسعه مفهوم حقوق بشر و با الهام از مبانی دینی و فقهی به مصادیق متعددی از سیاست جنایی مشارکتی در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری اشاره نموده است. دستیابی به موفقیت در زمینه مشارکت مردمی در قلمرو عدالت کیفری منوط بر پیش‌شرط‌هایی از جمله تحولات ساختاری در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و شناخت و درک صحیح از مبانی و آثاری است که در اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی وجود دارد. ضمناً با توجه به این نکته که زمان چندانی از تصویب این قوانین نمی‌گذرد، پیش‌بینی می‌شود که اجرای آن‌ها با محدودیت و چالش‌هایی همراه باشد. شناخت مصادیق سیاست جنایی مشارکتی و موانع پیش‌روی اجرای آن‌ها در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری می‌تواند به تحقق اهداف نظام عدالت کیفری در کاهش نرخ جرائم و کنترل بزهکاری در جامعه بیانجامد (نادری، عباسی، اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۸۹۲).

وقف به‌عنوان سنت حسنه و صدقه جاریه، در بینش اسلامی از جایگاه مهم و برجسته‌ای برخوردار است و به دلیل اهمیت و کارکردهایی که دارد، در گفتار و رفتار اهل‌بیت ؟ ، ؟ ، به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام ؟ ؟ و امیر مؤمنان علی ؟ ؟، به آن توجه ویژه‌ای شده است (عبدالحمیدی، حسینی، ۱۴۰۰: ۲۶). در آموزه‌های دینی به توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای صورت گرفته و در دین مبین اسلام برای رسیدن به آن هدف مهم، دستوراتی تشریح شده است. وقف به‌عنوان یکی از این راهکارها، در تمام ادیان الهی به‌اجمال مطرح بوده؛ اما اسلام به کارکرد اجتماعی و اقتصادی آن عنایت ویژه‌ای داشته است. سیره اهل‌بیت ؟ ؟ نیز که به‌گونه‌ای تحقق عینی تعالیم اسلام بوده، نشان دهنده این مهم است (عبدالحمیدی، حسینی، ۱۴۰۰: ۲۵). وقف به‌عنوان عمل برخاسته از سنت تاریخی و دینی در جهان اسلام و ایران از دیرباز مورد توجه دین‌باوران، خیرین، دولت‌مردان و بهره‌مندان عادی از هر قشر و گروه اجتماعی بوده و به لحاظ کارکردی به‌مثابه سازمانی مردم‌نهاد، سنتی و دین‌پایه، تأثیرات فراوانی بر ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته و در عصر حاضر به‌واسطه مطرح شدن ایده دولت کوچک و جامعه مدنی بزرگ، این دست نهادها قابلیت مطرح شدن دوباره و بازبینی سازوکارهای درونی و کارکردهای بیرونی و نوین‌سازی کاربردی را دارند (حدیثی، مقصودی، اشرفی، نادریور، ۱۴۰۱: ۳۲۷). کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد، کارکردی توسعه‌گرایانه محسوب می‌شود که «فقرزدایی و توانمندسازی» در رأس آن قرار دارد (موسوی، شیانی، ۱۳۹۴: ۱۱۱). وقف به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی با نظام ارزشی و هنجارهای فرهنگی یک جامعه مرتبط است و



بر نظام اجتماعی و رفتارهای سیاسی و فرهنگی جامعه اثرگذار است. لذا می‌توان وقف را ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و توزیع مجدد درآمد و چارچوبی اساسی برای مشارکت مردم در امور اجتماعی در نظر گرفت. بر این اساس وقف عاملی برای حفظ سرمایه فیزیکی و اجتماعی و عاملی برای توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی است (مظاهری نیا، ۱۳۹۹، ۱). لذا مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا نهاد وقف، می‌تواند در راستایی سیاست جنایی مشارکتی، نقش مؤثری در اصلاح و بازپروری مجرمان در فرایند عدالت کیفری ایفا نماید؟

۱. مفهوم شناسی

به منظور تبیین مفاهیم به کار رفته در مقاله حاضر به بررسی مفاهیم وقف، عدالت کیفری و سیاست جنایی مشارکتی می‌پردازیم.

۱-۱. وقف

وقف به معنای حفظ اصل مال و استفاده از منافع آن برای تأمین نیازهای عموم (وقف عام) است. و یکی از روش‌های پسندیده جوامع اسلامی برای کمک به مردم، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. این کار انسان‌دوستانه در جوامع انسانی از دیرباز، به شکل‌های گوناگون وجود داشته؛ اما با ظهور اسلام، و با راهنمایی‌های گفتاری و رفتاری رسول خدا ؟؟ به‌خوبی در رفتار مسلمانان جای گرفته است. با مطالعه منابع تاریخی و کتب متعدد حدیثی به جایگاه سنت حسنه وقف در کلام و سیره عملی پیامبر عظیم‌الشأن ؟؟ و همچنین صحابی‌ان ایشان و ائمه معصوم ؟؟، به‌ویژه به موقعیت ممتاز و بی‌نظیر امام علی ؟؟ پی می‌بریم (خوشنودی، منتظرالقائم، ۱۳۹۳: ۲۲۷). و مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی: وقف، عبارت است از اینکه عین مال، حبس و منافع آن، تسبیل شود. حبس عین مال، در این ماده، بدین معنا بوده که مال از مالکیت واقف خارج شده و غیر قابل نقل و انتقال نیز شود و منظور از تسبیل منافع نیز صرف کردن منافع مال، در امور خیریه و کمک به اشخاص دیگر می‌باشد.

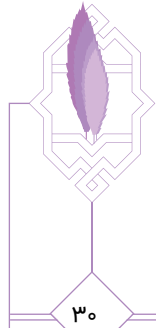
۱-۲. عدالت کیفری

عدالت کیفری به مفهوم مطالعه فرایندها و نهادهای نظام عدالت کیفری است که عدالت کیفری را نه از بعد فلسفی و هستی‌شناختی (آنتولوژیک)، بلکه از نظر جامعه‌شناسی کیفری تحلیل می‌نماید. حوزه عدالت کیفری افزون بر آسیب‌شناسی فرایندهای نظام

عدالت کیفری، از وقوع جرم تا تعیین و اجرای کیفر و پیامدهای پس از آن، بر مطالعه نهادهای نظام عدالت کیفری از جمله پلیس، دادستان، دادگاه‌ها، زندان‌ها، نهادهای اجرای مجازات، تمرکز دارد. همچنین، بزه‌دیده و نقش آن در فرایند کیفری، صلاحیت قضایی، الگوهای رسیدگی کیفری و کیفردهی، محکومیت‌های نادرست، از دیگر موضوعات مورد مطالعه در این حوزه می‌باشد (فورچی بیگی، ۱۴۰۰: ۱). تضمین حقوق شهروندان و اجرای عدالت کیفری، از وظایف اساسی نظام عدالت کیفری است (حیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۹). در یک نظام سامان‌یافته حقوقی وجود یک سازمان قضائی قانونی و منسجم همراه با مقررات عادلانه و شفاف برای رسیدگی به تخلفاتی که توسط شهروندان از هنجارهای اجتماعی و قانونی صورت می‌گیرد از بدیهی‌ترین امور است. تضمین حقوق شهروندان و رعایت عدالت قضائی به‌ویژه در قلمرو مسائل کیفری وابسته به شفاف بودن ساختار سازمان یاد شده به لحاظ حدود اختیارات و قلمرو صلاحیت آن و قوانین مورد عمل است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ساختار کلان قوه قضائیه به‌عنوان متولی اصلی تحقق این هدف پیش‌بینی شده است. بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسائل تحقق بخشیدن به عدالت است. بر اساس بند ۴ اصل یادشده، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام، یکی از وظایف مهم قوه قضائیه است که اجرای این وظیفه در کنار وظیفه‌های دیگری چون احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع قرار گرفته است (حیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

۱-۳. سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی در دو مفهوم مضیق و موسع به کار رفته است؛ در مفهوم مضیق سیاست جنایی به مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه اطلاق می‌شود که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۵: ۲۶). نخستین کاربرد سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری که مبتنی بر جرم- مجرم و قوانین - قضا می‌باشد، بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۶). در مفهوم موسع سیاست جنایی شامل کلیه شیوه‌ها و روش‌هایی است که هیئت اجتماع از طریق آن‌ها پاسخگویی به پدیده جنایی جرم و انحراف را سازمان می‌بخشد (کونانی، انصاری، مندنی، ۱۳۹۲: ۳۱). سیاست جنایی مشارکتی با هدف نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان رکنی از ارکان سیاست پیشگیرانه



است. در این نوع سیاست که بیانگر نقش و جایگاه مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی در فرایند کیفری است، به دو گونه کنشی (پیشگیرانه یا فعال) و واکنشی (پاسخگو یا منفعل) قابل تقسیم است. هدف اصلی سیاست جنایی مشارکتی کنشی یا اولیه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ‌سازی در رفتارهای اجتماعی است که به آن پیشگیری اجتماعی نیز گفته می‌شود و بیانگر نقش مردم در کاهش ارتکاب جرم است. هدف سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه، دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرایند کیفری، پس از وقوع جرم است. اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین و رسیدن به اهداف موردنظر سیاست جنایی مشارکتی مستلزم شناخت مبانی و آثار مشارکت مردم و همچنین بسترهای لازم برای اجرایی نمودن آن است (نادری، عباسی، اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۸۹۱). به دیگر سخن سیاست جنایی مشارکتی مشارکت هیئت اجتماع در پاسخ‌دهی به هنجارهای جامعه می‌باشد.

۲. مبانی فقهی و حقوقی عقد وقف

وقف، در لغت به معنای توقف و حبس است. و در اصطلاح فقهی از عقود اسلامی؛ به معنای حبس کردن مال و جاری کردن منفعت یا ثمره آن برای استفاده عموم مردم، بدون دریافت عوض است.

وقف عقدی است لازم؛ بدین مفهوم که پس از حصول شرایط آن (یعنی ایجاب، قبول و قبض) قابل فسخ نیست. لازم به ذکر است که عقد وقف از عقود عینی می‌باشد؛ یعنی علاوه بر ایجاب (پیشنهاد) و قبول نیاز به قبض (مال از جانب بخشنده یعنی واهب به گیرنده یعنی متهدب تحویل داده شود) توسط موقوف علیهم دارد. متولی یا سازمان اوقاف برای حفظ و اداره موقوفه و صرف منافع، بر طبق وقف‌نامه، به نمایندگی از موقوفه اقدام کرده و اعمال حقوقی لازم را انجام می‌دهند.

۲-۱. انواع وقف

وقف بر دو نوع است:

وقف عام (وقف با موقوف علیهم نامحدود یا نامحصور):

به وقفی گفته می‌شود که موقوف علیهم آن، یعنی کسانی که وقف، به نفع آن‌ها، صورت می‌گیرد، غیر محصور هستند و محدود به افراد مشخصی نیستند. وقف عام، برای مصارف عمومی است و بر این اساس، در وقف عام، کسانی که وقف، به نفع آن‌ها انجام

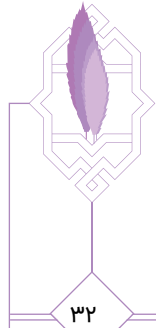
شده، متعدد و دارای تعداد زیادی از افراد می‌باشند. مانند زمانی که شخصی، مسجد، مدرسه و یا کتابخانه‌ای برای استفاده عموم، وقف می‌نماید.

وقف خاص (وقف با موقوف علیهم محدود یا محصور):

وقف خاص، برخلاف وقف عام که به‌طور غیر محصور است، محصور بوده و به شخص یا اشخاص معین، تعلق می‌یابد. مثلاً، وقف برای فرزندان؛ در این مورد، فرزندان، افراد مشخصی هستند که استفاده از منافع مال موقوفه، صرفاً برای آن‌ها خواهد بود و به استفاده عموم نخواهد رسید. هدف از وقف نباید یک امر نامشروع و غیرقانونی باشد و همچنین، هدف این عقد نیز نباید فرار واقف از پرداخت دین باشد. چرا که در صورت وقوع معامله به قصد فرار از دین یا نامشروع بودن جهت وقف، عقد وقف، صحیح نبوده و موقوف علیهم، شرایط استفاده از اموال وقفی را نخواهند داشت. لازم به ذکر است که هم در وقف عام و هم در وقف خاص، واقف می‌تواند کسی را تحت عنوان متولی، تعیین کرده تا به اداره امور مال موقوفه بپردازد. از دیگر تفاوت‌های وقف عام و وقف خاص، این است که در وقف خاص، خود موقوف علیهم، قبض عین موقوفه را انجام می‌دهد، ولی در وقف عام، در صورت وجود متولی وقف، او قبض خواهد کرد و در غیر این صورت، حاکم.

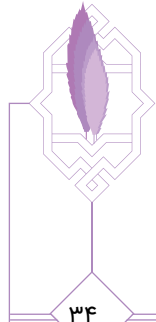
۳. جلوه‌ها و مصادیق سیاست جنایی مشارکتی در وقف

از شاخصه‌های مشروعیت و مقبولیت هر نظام به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های عمومی و صیانت از آن‌ها است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همین راستا، قوه قضائیه را مأمور به احیای حقوق عامه می‌نماید. استفاده از ظرفیت‌های مردمی در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی، قوه قضائیه را در انجام این تکلیف یاری می‌رساند. بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد جزء اصلی‌ترین ابزارها در اجرای سیاست‌های مذکور است. ورود تخصصی سازمان‌های مردم‌نهاد به موضوعات مربوط به حقوق عامه سبب می‌شود تا چنانچه اگر به خوبی از آن‌ها بهره‌گیری شود، اقدامات مؤثری در احیای حقوق عامه صورت‌پذیرد. سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌عنوان دیده‌بانان فعال عرصه‌ی اجتماعی در حوزه‌ی مطالبه‌ی حقوق و آزادی‌های مشروع، مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضائی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، میانجیگری و صلح و سازش از ظرفیت بالایی برخوردارند (مرندی، ۱۴۰۰: ۲۲۷). امروزه بیش از هر زمانی از بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مردمی و نهادهای وابسته به بخش‌های خصوصی



و جامعه مدنی سخن به میان می‌آید که قادرند در راستای پیشگیری از جرم که هدف اصلی سیاست جنایی است، به مدد نهادهای رسمی آمده و بر توانمندی‌های نظام حقوق کیفری حاکم بر اجتماع بیفزایند. راهبرد مشارکتی شدن سیاست جنایی اجمالاً به این واقعیت اشاره دارد که نهادهای دولتی و قضایی به تنهایی نمی‌توانند مانع رخداد جرم و انحرافات اجتماعی شده و با مجرای رخداد آن‌ها مقابله کنند. هدف اصلی سیاست جنایی در جامعه پیشگیری از جرم و تربیت مجرمان است که فقط در چارچوب مشارکت همه نهادهای مدنی و مردمی در فرایندهای جنایی نظیر سیاست کیفری، پاسخ به رفتارهای مجرمانه و اجرای تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و محیطی نمود عینی می‌یابد (Jeferson, ۲۰۱۳: ۱۶۲). سیاست جنایی مشارکتی، در تلاش است تا در قبال پدیده مجرمانه، از طریق مشارکت مردم و جامعه با استفاده از ابزارهای عدالت کیفری تنبیهی و نیز عدالت ترمیمی، شرایط مناسب برای مثلث پدیده مجرمانه یعنی بزه‌کار، بزه دیده و جامعه فراهم نماید (لازرز، ۱۴۰۰: ۱۶۳). مشارکتی شدن سیاست جنایی به معنای فاصله گرفتن از سیاست کیفری سرکوبگرانه و دولتی محض و حضور جامعه مدنی در کلیه مراحل و فرایندهای حقوقی است که می‌تواند در کنار نهادهای رسمی، دادگستری، بزه‌کاران و بزه‌دیدگان در حل و فصل منازعات حقوقی و اجرای تدابیر و طرح‌های مختلف پیشگیری از جرم نقش و مداخله داشته باشد (علی عرب، خاقانی اصفهانی، مجیدی، ۱۴۰۰: ۱۲۲). تجربه حقوق کیفری کلاسیک و شکست مجازات‌های افراطی و سرکوبگر در امر مقابله با جرم و جنایت ثابت نمود که نه مجازات به تنهایی می‌تواند هنجارزا بوده و مانع از ارتکاب جرم شود و نه فقط محاکم دادگستری می‌توانند متولی مدیریت فرایندهایی چون رسیدگی به جرائم و اجرای تدابیر پیشگیرانه باشند. دولت هم به تنهایی نمی‌تواند در این راستا نائل به توفیق شود (علی عرب، خاقانی اصفهانی، مجیدی، ۱۴۰۰: ۱۲۳). و با توجه به هزینه‌های مادی ناشی از سیاست‌های سنتی به سیاست جنایی مشارکتی به‌عنوان رویکرد جدیدی برای کاستن از هزینه‌های دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی تأکید می‌شود (علی عرب، خاقانی اصفهانی، مجیدی، ۱۴۰۰: ۱۲۴). گسترش روزافزون پدیده‌های مجرمانه، احساس ناامنی را در بسیاری از جوامع به وجود آورده است. هرچند تأمین امنیت شهروندان از صلاحیت ذاتی دولت‌هاست، لیکن ناکامی اقدامات رسمی و پاسخ‌های صرفاً دولتی در برابر این پدیده و افزایش توهم کیفری ضرورت توجه به سیاست جنایی به‌ویژه سیاست جنایی مشارکتی را نشان می‌دهد، سیاستی که می‌تواند با مشارکت مردم و نهادهای مدنی پاسخ‌های

سازمان‌دهی شده‌ای را در قبال پدیده‌های مجرمانه ارائه نماید (وحیدی، شیدائیان، میرخلیلی، ۱۴۰۰: ۳۱). رویکرد بهره‌گیری از مشارکت جامعه مدنی، در سیاست جنایی اغلب کشورها در قالب سیاست جنایی مشارکتی مورد توجه قرار گرفته است. امروزه هیچ سیاست جنایی چه در عرصه تدوین و برنامه‌ریزی و چه در مرحله اجرا بدون مشارکت مردم و جامعه مدنی قابل اجرا و اعمال نیست (بیرانوند، سبزیان‌فرد، ۱۳۶۷: ۲) از این رو در نظام‌های قضائی مختلف، دولت‌ها با در نظر گرفتن نقش مؤثر مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در اشکال گوناگون کنترل جرم، سیاست جنایی ذاتاً دولتی را به‌سوی سیاست جنایی مشارکتی که جلوه‌ای از حضور و مداخله مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داور، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزهکاری است سوق می‌دهند (بیرانوند، سبزیان‌فرد، ۱۳۶۷: ۱۵). قلمروی و دامنه سیاست جنایی مشارکتی شامل تمامی مراحل تدوین و اجرای سیاست جنایی می‌شود که در این میان مرحله اجرای سیاست جنایی که شامل مرحله پیشگیری و مرحله‌ی واکنش به پدیده مجرمانه است، بیشتر مطرح و از اهمیت بسزایی برخوردار است و در همین قلمرو مرحله پاسخ‌دهی واکنشی که مشارکت مردم در این بحث از اهمیت و گستردگی بیشتری برخوردار است، چرا که این مرحله به‌مرحله گسترده‌ای است که در واقع تمام مراحل مختلف فرایند کیفری از بعد به وقوع جرم و تعقیب آن تا مرحله اجرای مجازات و بازپذیری اجتماعی بزهکار را شامل می‌شود و تمام ارکان جامعه مدنی در آن می‌تواند ایفای نقش نمایند (نادری، عباسی، اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۹۰۵). اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین و رسیدن به اهداف موردنظر سیاست جنایی مشارکتی مستلزم شناخت مبانی و آثار مشارکت مردم و همچنین بسترهای لازم برای اجرایی نمودن سیاست‌های مشارکتی مقنن در قوانین است (نادری، عباسی، اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۸۹۱). سیاست جنائی تقنینی ایران به پیروی از رهنمودهای مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی) و سیاست‌های کلی و راهبردی نظام، با استفاده از آموزه‌های جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری مدرن در جهت کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و اصلاح و بازپروری مجرمین و پرهیز از سیاست‌های تنبیهی و سرکوبگرانه و عدم طرد بزهکاران و بازاجتماعی کردن آنان در سطح جامعه درصدد وضع مجازات‌های جایگزین حبس در قانون (۱۳۹۲) برآمده است (تیموری، نوری، ۱۴۰۳: ۱). بنابراین سیاست جنایی مشارکتی یعنی یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشند. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن

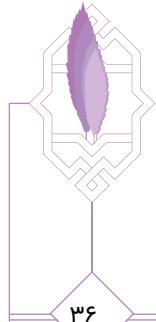


طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است (شایعه علی، زارع، ۱۳۹۴: ۲۹۲). فلسفه مشارکت و تعاون و دخالت مردم در امور مختلف جامعه در اندیشه اسلامی نیز به دلیل اهمیت حفظ مصالح عمومی و اهتمام به امور مسلمین است. زیرا از رسول گرامی اسلامی روایت شده است که می‌فرماید: «هرکسی که، صبح کند و اهمتامی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲). بدین ترتیب توجه به تعاون و مشارکت و فراهم کردن شرایط برای حضور افراد جامعه در عرصه‌های مختلف، دارای مبنای قرآنی و فقهی است که می‌تواند در عرصه سیاست جنایی مشارکتی نیز کاربرد داشته باشد (علی عرب، خاقانی اصفهانی، مجیدی، ۱۴۰۰: ۱۲۶). شایان به ذکر است که ایدئولوژی اسلام محور مشارکتی نوعی از ایدئولوژی است که عقیده دارد، سیاست جنایی سرکوب‌گرا و اصلاح‌گرا را باید باهم آمیزش داد. به‌عنوان مثال برخلاف مدل‌های سرکوب‌گرا که مشارکت جامعه مدنی را برای سرکوب می‌خواهند. سیاست جنایی اسلامی بدون سرکوب، خواهان مشارکت مدنی جامعه است (نادری، عباسی، اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۸۹۷). مشارکتی شدن سیاست جنایی بیانگر نقش و جایگاه مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی در فرایند کیفری است. در این رویکرد، دیگر نهاد عدالت کیفری، تنها مرجع پاسخگویی و حل اختلاف نیست، بلکه از ظرفیت نهادهای مردمی و اجتماعی نیز در این زمینه استمداد می‌شود (Garland, ۲۰۰۲: ۴۴). مشارکت وسیع مردم و نهادهای اجتماعی در برنامه پیشگیری از جرم در بستر سیاست جنایی مشارکتی، و افزایش روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم و عدم کارایی روش‌های سنتی مبارزه با جرم، به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در قلمرو سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. لذا پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند در تأمین امنیت فردی و اجتماعی بسیار مفید و مؤثر باشد (علی عرب، خاقانی اصفهانی، مجیدی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

۴. وقف جلوهای از عدالت اجتماعی

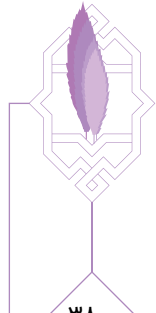
نظام وقف، عبارت است از چارچوب بنیادین مسئولیت‌های اجتماعی متقابل و نیز همبستگی و انسجام اجتماعی میان ثروتمندان و نیازمندان. که در این چارچوب بنیادین، برای رفع نیازهای ضروری طبقات محروم، اقدامات و حمایت‌های لازم در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر وقف در جامعه کارکردی شبیه به کارکرد نظام تأمین اجتماعی را می‌تواند بر دوش بگیرد تا جامعه از آسیب‌های احتمالی اجتماعی به دلیل حمایت‌های

انجام شده مبرا باشد (بیگناه، پيله‌ور، رضائی، ۱۴۰۲: ۲۱۴). لذا وقف می‌تواند عدالت اجتماعی را در جامعه ایجاد کرده و توسعه بخشد (مظاهری نیا، ۱۳۹۹، ۷). تا به امروز وقف، نقش زیادی در کاهش آلام اقشار آسیب‌پذیر و بهبود وضعیت اجتماعی جوامع اسلامی ایفا نموده و با کمک غیرمستقیم و مستقیم به دولت از طریق ارائه خدمات اساسی، موجب کاهش هزینه‌های دولت شده است. این نهاد، زیربنای اساسی را تدارک دیده، چنانکه در تأمین شغل، ارتقای سطح فعالیت‌های تجاری، تهیه و توزیع غذا برای محرومان، ایجاد گرم‌خانه‌ها و پناه دادن به مستمندان، ایجاد درمانگاه‌ها و حمایت از بخش‌های کشاورزی، عمرانی و صنعتی نسبتاً موفق عمل کرده است. و در زمینه فرهنگی- آموزشی نیز با جلب مشارکت و همکاری مردم به توسعه کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی، بهبود و ارتقای فرهنگی اقشار مختلف، از جمله سوادآموزی و آموزش‌های تخصصی کمک نموده است (حدیثی، مقصودی، اشرفی، نادریور، ۱۴۰۱: ۳۲۹). در چارچوب سنت فکری کلاسیک، از دیرباز دولت‌ها و دستگاه‌های اجرایی- رسمی مسئولیت حل‌وفصل مشکلات و تنگناهای موجود و حادث شده در جوامع را داشته‌اند؛ حال آنکه در نگرش نوین و در قالب مفهوم «مسئولیت مشترک اجتماعی»، مردم، گروه‌های اجتماعی، نهادهای مدنی اعم از سنتی و نوین همپای دولت مسئولیت دارند، با چنین رویکردی، وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش زیادی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع مشکلات به کار بست. به‌طور کلی آثار و کارکردهای وقف در جامعه را می‌توان به سه دسته کارکردهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم نمود و به همین سیاق، برخی از مشکلات و مصائب را کاهش داد. چنانکه از کارکردهای پنهان وقف می‌توان به تعدیل ثروت و کمک به برقراری توازن اجتماعی و نیز گسترش فرهنگ همکاری اجتماعی و بین‌طبقه‌ای اشاره کرد که تمامی این موارد در اصل، زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند (حدیثی، مقصودی، اشرفی، نادریور، ۱۴۰۱: ۳۳۰). اسلام به‌گونه‌ای اساسی و ریشه‌ای تمامی نیازهای جامعه پیرامون خود را بررسی کرده و راه‌حل‌های آن را نیز ارائه نموده است، که می‌تواند ضامن گسترش عدالت و مساوات باشد. از سنت‌های حسنه‌ای که دین مبین اسلام در جهت جبران کاستی‌ها، محرومیت‌ها، زدودن هاله‌های نومیدی، از بین بردن تبعیض‌ها، رفع فواصل فاحش طبقاتی و مهم‌تر از همه استقرار نظامی متعادل بر اساس عدل و قسط در جامعه ارائه داشته «وقف» است (بیگناه، پيله‌ور، رضایی، ۱۴۰۲: ۲۰۷). مشخصاً با توجه به شواهد، هنوز فرهنگ وقف آن‌طور که درخور



و شایسته جامعه مسلمانان است، درونی، نهادینه و متناسب‌سازی با شرایط و تحولات روزافزون جهانی و ملی نشده است. و به ویژگی‌ها و مختصات نهادگرایی جدید که بر دخالت مردم تأکید دارد، نزدیک نشده است و با ایده آل‌های لازم در رابطه با این مهم فاصله بسیار دارد. لیکن آنچه مسلم است، این است که وقف، یک نهاد اسلامی برجسته می‌باشد که نقش مهم و بزرگی را در حمایت از تمدن اسلامی در طول تاریخ برعهده داشته است (حدیثی، مقصودی، اشرفی، نادریور، ۱۴۰۱: ۳۵۵). نهاد وقف به‌عنوان یک سیستم پویا و بازوی نیرومند، کارکردی مؤثر در سامان‌دهی امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برعهده دارد. البته این سنت دیرینه از جمله موضوعاتی است که به‌رغم ظرفیت وسیع آن در شمول مباحث کاربردی، اقتصادی، علمی، پژوهشی و اجتماعی، کمتر مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است و جز اندکی در بعد فقهی، در دیگر ابعاد آن، تحقیقات جامع علمی صورت نگرفته است و در مواردی جامعه با نگرش‌های سنتی از کارکردهای نوین و وجه مردم‌مدار و ظرفیت‌های فرهنگ‌ساز آن آگاه نیستند (حدیثی، مقصودی، اشرفی، نادریور، ۱۴۰۱: ۳۲۹). سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند از جمله سازمان‌های اثرگذار در توسعه و پیشرفت جامعه، در ابعاد دینی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، اجتماعی و افزایش سطح رفاه عمومی و فقرزدایی و برآورده کردن نیازهای عمومی جامعه محسوب شود. اهمیت این سازمان به اندازه‌ای است که در برخی از کشورهای اسلامی، تشکیلاتی در سطح وزارتخانه را به خود اختصاص داده است (شریفی، قاسمی سعادت‌آبادی، ۱۰۲). اوقاف و امور خیریه از طریق وقف در حمایت از کیان خانواده که سنگ بنای جامعه است در حفظ انسجام و یکپارچگی آن از طریق حمایت‌های مالی و تدارکاتی و نیز حمایت از حقوق افراد ضعیف و بیمار خانواده و اشخاصی که از توانمندی‌های جسمی و روحی کمتری برخوردارند نقش مهمی ایفا کرده و می‌کند (مظاهری‌نیا، ۱۳۹۹، ۶). وقف رویکرد و اثرات اجتماعی، فرهنگی، معنوی و اقتصادی زیادی را برای توسعه انسانی در جوامع اسلامی به همراه دارد (مظاهری‌نیا، ۱۳۹۹، ۹). بدون تردید اگر به مقوله وقف، به‌طور همه‌جانبه نگریده شود، اهمیت این سنت نبوی آشکار شده و سهم عمده‌ای را در تحول ساختار فرهنگی و توسعه علمی و اقتصادی کشور خواهد داشت (حدیثی، مقصودی، اشرفی، نادریور، ۱۴۰۱: ۳۵۵). همچنین حمایت از تحقیقات و مطالعات مربوط به جنبه‌های اجتماعی وقف و توجه به برخی مفاهیم فرهنگی و اجتماعی نظیر خانواده، زنان، جوانان، اطفال و افراد با نیازهای خاص حائز اهمیت است. باید در نظر داشت مواردی مثل مدیریت کارا و خلاق در جهت

افزایش بهره‌وری موقوفات، نظارت دقیق بر عملکرد ادارات اوقاف، وجود اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق جهت تنویر افکار عمومی و ... از جمله مسائلی است که بهره‌وری موقوفات را افزایش می‌دهد (مظاهری‌نیا، ۱۳۹۹، ۹). وقف می‌تواند بر نظام اجتماعی و رفتارهای سیاسی و فرهنگی جامعه اثر گذاشته و به حل مسائل جامعه کمک نماید و همچنین از نهادها و مؤسسات اجتماعی و کارگزاران فرهنگی تأثیر بگیرد به همین جهت دست‌اندرکاران مسائل سیاسی و اجتماعی می‌توانند وقف را از نگرش و دیدگاه خود مورد بررسی و کنکاش قرار داده و به تعریف نظری عملیاتی، مطابق با هنجارهای اجتماعی بپردازند. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است (مظاهری‌نیا، ۱۳۹۹، ۵). بهره‌گیری بهینه از منابع و توانمندی‌های این نهاد مردمی، که نشئت‌گرفته از اعتقادات دینی است، می‌تواند منجر به رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شود که نتیجه نهایی آن به یقین دستیابی به عدالت اجتماعی خواهد بود (مظاهری‌نیا، ۱۳۹۹، ۹). وقف می‌تواند به سه شیوه «مشارکت اجتماعی» از طریق تمرکز بر کمک‌های بهداشتی-درمانی، «مشارکت اقتصادی» از طریق اعطای اعانات و ارائه خدمات رفاهی و نیز «مشارکت سیاسی» از طریق کارکردهای فرهنگی-آموزشی به‌ویژه به گروه‌های نیازمند و اقشار محروم جامعه کمک نماید (حدیثی، مقصودی، اشرفی، نادری‌پور، ۱۴۰۱: ۳۲۸). تجربه وقف در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که موقوفات می‌توانند در تحقق اهداف مرتبط با توسعه اجتماعی و انسانی ایفای نقش نمایند. برای نمونه، خدمات شهری، آموزش و پرورش و بهداشت و درمان از شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی هستند که گسترش فرهنگ وقف در این موارد تأثیر بسزایی در ارتقای توسعه انسانی و اجتماعی خواهد داشت (مظاهری‌نیا، ۱۳۹۹، ۸). شایان ذکر است، با توجه به مباحث مطرح شده در خصوص تأثیر و کارکرد وقف در عدالت اجتماعی، واقف و خیرین محترم با توجه به آثار سوء و تبعات منفی که حبس می‌تواند بر زندانی، خانواده وی و در نتیجه جامعه متحمل نماید، گام مؤثری را با وقف در جهت امور آموزشی چون حرفه‌آموزی، سوادآموزی و ... در راستای اصلاح و بازپروری مجرمان (مجرمانی که محکوم به مجازات‌های جایگزین حبس شده‌اند) و کاهش آسیب‌های اجتماعی بردارند. چرا که ناکامی اقدامات صرفاً دولتی و قضایی در برابر پدیده مجرمانه نشان دهنده این مهم می‌باشد که تکیه صرف بر تدابیر کیفرمدار به تنهایی نمی‌تواند با پدیده بزهکاری، مقابله و در کاهش آسیب‌های اجتماعی نقش مؤثری را ایفا نماید.



نتیجه‌گیری

یکی از کارهای شایسته‌ای که اثرات و برکات آن نصیب افراد جامعه می‌شود و در دین مبین اسلام بر آن تأکید بسیار شده است، سنت حسنه وقف است. نهاد وقف در حل بسیاری از مشکلات جامعه اعم از اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند تأثیر بسزایی را داشته باشد. که بهره‌برداری بهینه از آن، نیازمند مطالعه و بررسی دقیق مشکلات و نیازمندی‌های روز جامعه و تطبیق آن با پتانسیل‌های بالقوه وقف و ارائه راهکارهای جدید در راستای برطرف کردن مسائل روز است. شایان ذکر است، با توجه به مباحث مطرح شده در خصوص تأثیر و کارکرد وقف در عدالت اجتماعی، واقف و خیرین محترم با توجه به آثار سوء و تبعات منفی که حبس می‌تواند بر زندانی، خانواده وی و در نتیجه جامعه متحمل نماید، می‌توانند گام مؤثری را با وقف در جهت امور آموزشی چون حرفه‌آموزی، سوادآموزی و ... در راستای اصلاح و بازپروری مجرمان (مجرمانی که محکوم به مجازات‌های جایگزین حبس شده‌اند) و کاهش آسیب‌های اجتماعی بردارند. چرا که ناکامی اقدامات صرفاً دولتی و قضایی در برابر پدیده مجرمانه نشان دهنده این مهم می‌باشد که تکیه صرف بر تدابیر کیفرمدار به تنهایی نمی‌تواند با پدیده بزهکاری، مقابله و در کاهش آسیب‌های اجتماعی نقش مؤثری را ایفا نماید. لذا طبق بند الف ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی نیز امور آموزشی چون سوادآموزی، حرفه‌آموزی و... از موارد حکم به‌عنوان یکی از جایگزین‌های حبس می‌باشند. و طبق بند ب ماده ۴ این آیین‌نامه اوقاف و امور خیریه نیز یکی از نهادهای پذیرنده این آیین‌نامه می‌باشد. در جامعه کنونی که با افزایش روزافزون پدیده مجرمانه و مشکلات اجتماعی ناشی از آن روبرو هستیم، نیاز به وقف در راستای کاهش مشکلات مطرح شده، بیش از پیش احساس می‌شود. چرا که تنها با قرار گرفتن سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم در کنار نهادهای دولتی و قضایی در واکنش به پدیده مجرمانه، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، است که می‌تواند نتیجه مطلوبی را بر جامعه بگذارد. سازمان اوقاف و امور خیریه نیز که اداره امور موقوفات عام، فاقد متولی را بر عهده دارد می‌تواند با حمایت از موقوفاتی که در جهت امور آموزشی، برای مجرمانی که محکوم به جایگزین‌های حبس شده‌اند، کمک شایانی را در اجرای هرچه مطلوب‌تر عدالت کیفری و نیل به اهداف سیاست جنایی مشارکتی ایفا نماید.

کتاب‌نامه

- بیرانوند، رضا؛ سبزیان‌فرد، شهرام (۱۳۹۷). جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تأکید بر سیاست جنائی مشارکتی ایران، *فصل‌نامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، شماره ۳۹، دوره ۱۱، ۱۰۲۴.
- بیگناه، رویا؛ پیلهور، مرضیه؛ رضائی، محمد (۱۴۰۲). بررسی کارکردهای وقف در قرآن و روایات و نقش آن بر رفاه و سلامت اجتماعی، *فصل‌نامه علمی پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، دوره هفتم، شماره دوم، ۲۰۶-۲۱۵.
- پیکا، ژرژ؛ (۱۳۹۳). *جرم‌شناسی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- تیموری، مهرداد، نوری، زهرا (۱۴۰۳). «صدور حکم خدمات عمومی رایگان در بقاع متبرکه و نقش معنوی این اماکن در کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی»، *فصل‌نامه بقاع و اماکن متبرکه*، دوره دوم، شماره اول، ۱۵۰.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰). *سیاست جنایی مشارکتی*، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی نظام عدالت کیفری ایران»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و یکم، شماره دوم (پیاپی ۴۱)، ویژه‌نامه حقوق، ۱۳۹-۱۶۵.
- حدیثی، علی کریم؛ مقصودی، مجتبی؛ اشرفی، اکبر؛ نادریور، بابک (۱۴۰۱). «وقف و کارکرد مشارکت سیاسی در ایران معاصر؛ مطالعه‌ای از منظر نهادگرایی جدید»، *دو فصل‌نامه پژوهش سیاست نظری*، شماره سی‌ودوم، ۳۲۷-۳۵۹.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- خوشنودی، عفت؛ منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۳)، بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی (علیه‌السلام)، *فصل‌نامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ۲۲۷-۲۴۸.
- شریفی، علی؛ قاسمی سعادت‌آبادی، مجتبی (۱۳۹۴). «بقاع متبرکه به مثابه قطب‌های فرهنگی»، *کنگره ملی حضرت محمد هلال ابن علی علیه‌السلام، مجموعه مقالات برگزیده کنگره ملی حضرت محمد هلال ابن علی علیه‌السلام*، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم.
- شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی (۱۳۹۴). «جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران»، *فصل‌نامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲، شماره ۴ و ۵، ۲۸۷-۳۱۰.
- صدر توحید خانه، محمد (۱۳۸۸). *حقوق در چنبره دشمن، از سیاست آمریکایی جنگ با ترور تا نظریه آلمانی حقوق کیفری دشمنان، تازه‌های علوم جنایی*، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
- عبدالمحمدی، حسین؛ حسینی، شیرآقا (۱۴۰۰). «تحلیلی بر آثار اقتصادی موقوفات پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) در حجاز»، *دو فصل‌نامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، سال هجدهم، شماره دوم، پیاپی ۵۱، ۲۵-۴۴.



• علی عرب، عظیم؛ خاقانی اصفهانی، مهدی؛ مجیدی، سید محمود (۱۴۰۰). «بایسته‌های توان‌افزایی جامعه مدنی در تقویت سیاست جنایی مشارکتی ایران»، فصل‌نامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه‌نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۳۹-۱۴۰.

• قورچی بیگی، مجید (۱۴۰۰). *درآمدی بر عدالت کیفری*، چاپ اول، تهران: نشر سمت.

• کونانی، سلمان؛ انصاری، جمال؛ مندنی، اسلام (۱۳۹۲). *سیاست جنایی از گفتمان تا برساخت‌های ریزومیک شده و ناروا*، چاپ دوم، تهران: مجد.

• کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری*، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.

• گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۵). *سیاست جنایی قضایی*، چاپ دوم، تهران: نشر سلسبیل.

• لازرژ، کریستین (۱۴۰۰)، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.

• مرندی، الهه (۱۴۰۰). «سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه با بهره از سازمان‌های مردم‌نهاد»، *فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، دوره بیست و ششم، شماره نود و شش، ۲۲۷-۲۵۸.

• مظاهری‌نیا، محسن (۱۳۹۹). «وقف و کارکرد آن در توسعه اجتماعی»، *مجموعه مقالات همایش ملی وقف و توسعه اجتماعی*، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خوزستان، دانشگاه شهید چمران اهواز، به‌صورت مجازی در اهواز.

• موسوی، میرطاهر؛ شبیانی، ملیحه، (۱۳۹۴). *سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی*، تهران: نشر آگاه.

• نادری، قائم؛ عباسی، اصغر؛ اسماعیلی، مهدی، (۱۳۹۹). «سیاست‌های جنایی مشارکتی»، *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، ۱۸۹۱-۱۹۰۹.

• نجفی، علی حسین، (۱۳۹۲). *درآمدی بر پژوهش در عدالت کیفری*، تهران: انتشارات میزان.

• وحیدی، عبدالملک؛ شیدائیان، مهدی؛ میرخلیلی، سید محمود (۱۴۰۰). «مبانی و جلوه‌های قرآنی سیاست جنایی مشارکتی»، *فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره نهم، شماره سی‌وچهارم، ۳۱-۶۱.

• Garland, D (2002). *Criminal Policy and Society*, New York: HPC Pess.

• Jeferson, M.A (2013). *Criminal Policy and Modern Society*, 3th edition, London: Mcmillan pres.